میکروفیلم تهیه شد

کفایهٔ مجاهدیه

آستان قدس

کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب: کفایهٔ مجاهدیه (فارسی)

مصنف: منصور بن محمد بن الیاس [redacted]

مؤلف

خطی: نستعلیق ۱۹ سطر

چاپی

سال چاپ یا تحریر .... عدد اوراق ۱۷۱

جزء کتب: طب .... شماره خصوصی

شماره عمومی: ۱۳۴۱۶ .... شماره قبض

واقف: عباس نخجوانی .... تاریخ وقف: آذر ۱۳۳۲

طول ۲۵ عرض ۱۵/۵ .... شماره صفحات

فهرست این کتاب مبنی بر دو فن است فن اول در قسمی طب یعنی نظری و عملی
بر چهار باب باب اول در ... در طب نظری مشتمل بر مقدمه و چهار مقاله مقاله اول در اسباب مادی صحت
مقاله دوم در اسباب صوری صحت مشتمل بر ارکان باب دوم در ارواح باب سیم در اخلاط باب چهارم در اعضا
در اسباب فاعلی صحت مشتمل بر دو باب باب اول در مزاج باب دوم در قوی مقاله سیم
اول در هوا فصل دوم در حرکات نفسانیه فصل سیم در حرکت
در اسباب ضروریه مشتمل بر شش فصل فصل
و بیداری فصل پنجم در ماکول و مشروب فصل ششم در احتباس و استفراغ
و سکون بدنی فصل چهارم در خواب
غیر ضروریه مشتمل بر دو فصل فصل اول در اسباب ملحقه بستهٔ ضروریه فصل دوم ... باب دوم در اسباب
در احوال و اعراض و علامات مشتمل بر دو باب باب اول در احوال و اعراض باب دوم
در دلایل مشتمل بر هشت فصل فصل اول در علامات مزاج فصل ۲ در علامات امتلا فصل
در اسباب جزویه
در نبض فصل چهارم در نبض اسنان و اجناس فصل پنجم در قاروره فصل ششم در براز فصل
در بحران فصل ۸ در علامات مخصوصه به ... قسم دوم در طب عملی مشتمل بر پنج مقاله مقاله اول در حفظ
صحت و معالجات کلی مشتمل بر دو باب باب اول در حفظ صحت مشتمل بر ده فصل فصل اول در تدبیر مولود و حضانه
فصل دوم در تدبیر فصول فصل ۳ در تدبیر ماکول و مشروب فصل چهارم در تدبیر نوم و یقظه فصل پنجم
در تدبیر استفراغ و احتباس فصل ۶ در تدبیر جماع فصل ۷ در تدبیر حمام فصل ۸ در تدبیر حرکت و سکون
فصل ۹ در تدبیر مشایخ فصل ۱۰ در تدبیر مسافر باب دوم در معالجات کلی مشتمل بر سه فصل فصل اول در معا
لجات سوء المزاج فصل دوم در تدبیر مسهل و قی و حقنه فصل ۳ در فصد و حجامت مقاله سیم در امراض
که حادث شود از سر تا قدم و علاج آن مشتمل است بر بیست و یک باب باب اول در امراض سر و دماغ باب دوم
در امراض چشم باب ۳ در امراض گوش باب ۴ در امراض بینی باب ۵ در امراض دهان و لب و زبان
دو از (۶)

باب ۶ در امراض لثه و دندان باب هفتم در امراض حلق باب هشتم در امراض ریه و آلات تنفس باب نهم
باب نهم در امراض قلب باب دهم در امراض معده باب یازدهم در امراض جگر باب دوازدهم در امراض
طحال باب ۱۳ در امراض امعا باب ۱۴ در انواع اسهال باب ۱۵ در امراض کلیه و مثانه
باب شانزدهم در امراض انثیین و قضیب باب هفدهم در امراض رحم باب ۱۸ در امراض مقعد
باب ۱۹ در امراض پشت باب بیستم در اوجاع نقرس و مفاصل مقاله ... در حمیات مقاله چهارم
در امراضی که بر ظاهر بدن حادث شود و معالجات آن مشتمل بر هفت باب باب اول در اورام باب ۲
در بثور باب ۳ در جراحات و قروح باب ۴ در کسر و خلع و مانند آن باب ۵ در جذام و امراض
جلد باب ۶ در امراضی که به موی تعلق دارد باب هفتم در آنچه تعلق بزینت دارد مقاله پنجم
در ذکر زهر حیوانات زهردار و دفع ضرر آن مشتمل بر چهار باب باب اول در زهرها و علاج شارب آن
باب ۲ در گزیدن حشرات و تدبیر آن باب ۳ در گزیدن آدمی و چهارپایان باب ۴ در دفع هوام
و حشرات و این آخر فن اول است والله تعالی اعلم فن دوم در ذکر ادویه مفرده و مرکبه مشتمل بر دو مقاله
مقاله اول در ذکر بعضی ادویه مفرده در هفت باب باب اول در طبایع و تاثیرات ادویه باب دوم در
حبوب باب ۳ در لحوم و البان باب ۴ در فواکه باب ۵ در بقولات باب ۶ در توابل باب ۷
در ریاحین و طیوب مقاله دوم در ادویه مرکبه مشتمل بر بیست باب باب اول در بیان کیفیت ادویه
مرکبه و امتحان تریاق باب ۲ در تریاقها باب ۳ در مفرحات باب ۴ در معاجین باب ۵
در اشربه و مربیات و لعوقات و ربوب باب ششم در جوارشات باب ۷ در سفوفات باب هشتم
در اقراص باب ۹ در حبهای مسهله و غیره باب ۱۰ در ایارجات باب ۱۱ در مطبوخات و نقوعات
باب ۱۲ در حقنه‌ها باب ۱۳ در شیافات و فرزجها باب ۱۴ در ادهان باب ۱۵ در سعوطات
و سنونات و غراغر باب ۱۶ در طلیه و ضمادات باب ۱۷ در ادویه عینی باب ۱۸ در مراهم
و ذرورات باب ۱۹ در حلاوی و مسمنات باب بیستم در متفرقات فن اول در قسمی

طب یعنی نظری

غذاو آنرا ماساریقا گویند و بعضی از امعا لطیف غذا جذب کنند و در شعب داخله جمع کرده اند

تا نضج یابد و اخلاط از و بهم متمیز شود و از محدب کبد چیزی رسته که آنرا اجوف

گویند و بعضی از شعب او که در تقعیر کبد متفرق شده است جهت جذب دم و آنچه

از وی خارج شده است اصل او ورده است بدو قسم میشود و قسمی صاعد شود با علاء بدن

منشعب گردد و قسمی نازل گردد با سافل بدن متفرق شود عصا با کیست همچون کیسه

و فم آن بمقعر کبد متصل است جهت جذب صفرا از او رگی بیرون میآید بدو قسم میشود

و قسمی بمعاء مستقیم صائم متصل شود جهت رسانیدن صفرا با و قسمی بقعر معده متصل

است جهت انصباب صفرا باو طحال عضوی لحمانی است بر شکل زبانی و محل او جانب

ایسر است و محدب او محاکی اضلاع و مقعر او محاکی قعر معده و عروق شرائین در او منتشر

شده است و او را دو مجرا هست یکی متصل بکبد جهت جذب سودا از او و دیگری متصل بقعر

معده جهت انصباب سودا بدو کلیه عضوی است مؤلف از لحم غلیظ و عروق شرائین

در او منتشر شده است و او را دو مجرا هست یکی متصل بکبد و غشای غلیظ فاسی بر آن

محتوی شده و او مانند نیم دایره است و کلیه حرارت بر باطات و به اطرافی صلب

مربوط است و کلیه یمنی بلندتر از یسری بلا فایده ایشان آن است که منفعل کبد بدان

ریزد و دو موئی که در آن باشد غذای خود جذب کنند و باقی بمثانه ریزد و مثانه کیسی

بلوطی شکل است مؤلف از لیفات دو طبقه است و بول در او مجتمع میشود و دفعةً

از قبل مندفع میگردد و او را منفذی هست که بول بدان طریق دفع شود اما اعضای

تناسل انثیان و قضیب و رحم است انثیان مرکب است از لحم سفید غددی و در او منافذ

بسیار است و اوردة و شرائین بکرد او بر آمده اند و لیفات بسیار رسیده اند

در او غشایی بر او کشیده و منی از خونهای عروق بانثیین میرود و جمع میشود و اعصاب

بدو متصل و غشایی بر او کشیده و منی بواسطه بیاض جوهر انثیین سفید میگردد

۱۴

تم ...

۸

ت بول بر کبد و براز بر معده و امعا دوم موضع مرض چنانچه وجع

ت این که دلیل ورم کبد بود و طرف الیسر که دلیل ورم طحال بود

م اشکال مرض همچو دلالت ورم هلالی شکل برای آنکه ورم بر محدب

ت چهارم ما یستفرغ همچو بول و براز که در محل خود یاد کرده اند

چون استدلال بانواع است در هشت فصل یاد کرده میشود ان شاء الله

فصل اوّل در علامات مزاج بدانکه علامات و امارات مزاج ده است

اوّل ملمس است اعتدال آن دلیل اعتدال مزاج بود و میل آن بکیفیتی

از کیفیات اربعه دلیل آن کیفیت باشد دوم سخنه است سمن لحمی دلیل

حرارة و رطوبت بود و سمن شحمی دلیل برودت و رطوبة و هزال از لحم

دلیل برودت و یبوست و از شحم دلیل حرارت و یبوست بود سیّم لون

بیاض لون دلیل ... برودت بود و حمرة و سمرت دلیل حرارت و صفرت

... صفرا و بیوست دلیل سودا چهارم شعر ... کثرت و سواد

و جعودت آن دلالت بر حرارت مزاج کند و شقرت و حمرت بر اعتدال

و سبوطت و بیاض بر برودت پنجم هیئة اعضاست سعت عروق

... و عظم عظام و تمامی خلقت دلیل بر حرارت بود و ضد آن

دلیل بر برودت ششم کیفیت انفعالاتست سرعت انفعال از کیفیتی

از کیفیات دلیل بر غلبه آن کیفیت هفتم افعال طبیعی است از افعال

... بود دلیل اعتدال بود و آنچه مشوش و سریع دلیل حرارت

و بطی دلیل برودت باشد هشتم نوم و یقظه است کثرت

۱۴

سیاه ده درم تخم کاهو بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا با رطلی آید و با نیم رطل
کندم پاک بجوشانند تا آب تمام نیست شود پس کندم خشک کنند و بکوبند
و مثقالی ازان هر کرا بدهند بیخود شود آلر خشخاش سیاه تخم کاهو هر یک پنج
مثقال بزرالبنج دو مثقال بجوشانند و صافی کنند و با قند بقوام آرند مثقالی
ازان مسکر باشد و اشنه در شراب بجوشانند شرب آن بیخود کند و چون خواهند
که افاقتی بشود شبث بجوشانند و بدهند یا رازیانه در شراب بجوشانند بیخود کند
و اگر ازان متاذی شود تریاق کبیر یا تریاق اربعه بدهند و اگر خواهند که مست
زود هشیار شود سرکه کهنه با کلاب بدهند یا دوغ کاو با برف یا شربتی از شراب
غوره ببرف سرد کرده و اگر چهار روز نان در شراب خوابانند و ازان شراب
کسی را دهند دشمن شراب کردد و اگر مکس خشک شده دانگی بسایند و در
میان شراب کنند همین عمل کند و اگر سکبینج و مقل هر یک مثقالی شب یمانی و شیح
و کعب خوک و رازیانه هر یک مثقالی سوخته با هم بسایند و با آب رازیانه بسرشند
و بر احلیل طلا کنند و بگذارند تا خشک شود با هر که مجامعت کند موجب دوستی شود
و عسل زنجبیل بر قضیب مالند همین عمل کند و اگر اسفیداج و مامیران و دندان پلنک
سوخته و سرکین کبوتر و زهره خرس و اشنان سوخته هر کدام باشد دانگی بسایند
وزن بخود برکیرد موجب دشمنی کردد و اگر بالنکو و کاوزبان و لؤلؤ و مامیران
و مرماخوذ و مرزنجوش و سعتر فارسی و عود خام و لبلاب هر یک مثقالی بکوبند و
بشراب سیب شامی بسرشند و مثقالی بناشتا کسی را دهند که عاشق باشد عشق
ازو زایل شود و اگر بهمن سرخ و طالیسفر و بوستان افروز و تخم تمام کشو

دو ظرفی

و نیخکشت و فراسیون و فاوانیا و قیصوم و کندش هر یک مثقالی بکوبند و با آب
خیار بادرنک بسرشند و قرص سازند و در سایه خشک کنند و نیم درم ازان بسایند و
کسی را دهند که عاشق نباشد عاشق و محزون کردد و اگر علق و خراطین بکوبند
و با روغن کنجد بر ذکر طلا کنند بعد از آنکه بسیار مالیده باشند بزرگ شود و اگر
قضیب بچیزی درشت بمالند و بعد ازان زفت رومی و ر... سمین طلا کنند
همچنین شود و اگر عاقرقرحا دو درم باده درم آب حنظل بسایند و بر ذکر طلا کنند همین
عمل کند و اگر شیر ترش در آفتاب نهند تا کرم شود و خرقه چند دران اندازند و برگیرند
و بر ذکر مینهند و چون خشک میشود دیگری برمیدارند و مکررا همچنین میکنند ذکر بزرگ
شود و اگر عود و سعد و مورد و راسن و قرنفل و رامک هر یکدرمی مشک دانگی
بسایند و صوفه بشراب ترکنند و بدین ادویه بیالایند و زن بخود بردارد فرج
تنگ کرداند و اگر مشک و سک و زعفران در شراب ریحانی بجوشانند و خرقه
بدان ترکنند و بردارند فرج کرم کرداند و اگر کبابه با حلتیث در دهن کیرند و
بخایند و آب آن در قضیب بمالند همین عمل کند والله اعلم بحقائق الامور
تمت الکتاب بعون الملک الوهاب علی ید العضیف الحقیر فی بعث
احقر عباد الله لطف الله ولد مرحوم مغفور
حاجی اطرمین ندر حسین اورام بالبرف مهارد هم
شهر ربیع الاول سنه ۱۱۵۶